

معماری دوره شهرنشینی ایران باستان به روایت هنر مهرسازی

مرتضی حصارى^۱

چکیده

ایران به لحاظ دارا بودن حوزه‌های مختلف جغرافیایی، دربرگیرنده جوامعی با نظام‌های فرهنگی-تاریخی متفاوت است. بر پایه چارچوب‌های نظری و مدارک زبان شناسی - باستان‌شناسی به دست آمده از محوطه‌هایی با حوزه‌های فرهنگی مختلف ایران، می‌توان گونه‌های معماری ایران باستان را بازسازی کرد. مقطع زمانی این پژوهش دوره شهرنشینی که تطور یا به نوعی تغییر نوع زندگی از روستا به شهر است، مورد بررسی قرار می‌گردد. یکی از این منابع که می‌توان از آن برای این پژوهش استفاده کرد، مهرها و نقوش مهری به دست آمده از فعالیت‌های باستان‌شناسی است. در این پژوهش سعی خواهد شد با روش توصیفی-تحلیلی و داده‌هایی که صرفاً مهر و اثرات مهری هستند و به صورت کتابخانه‌ای و در اندک موارد به صورت مستقیم به آن‌ها دسترسی داشتیم استفاده کرده، به پرسش‌های مطرح شده، پاسخ دهیم. این پرسش‌ها شامل، مشخص شدن کاربری برخی از سازه‌های معماری این دوره است که شامل معابد، قصر، انبار و سیلو، و احتمالاً آغل و طویله هستند. دیگر پرسش این پژوهش این است که چه تفاوتی بین فضاهای آئینی و درباری وجود دارد؟ و پرسش آخر این است که چرا تمامی

۱. گروه باستان شناسی دانشگاه هنرصفهان ، mhessari@au.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۱۱ / ۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۵ / ۲

اثرات مهرى مربوط به معماری انبار و ذخیره غذایی در خوزستان به دست آمده است؟

کلمات کلیدی: خوزستان، اروک، بین‌النهرین، شهرنشینی، آغاز ایلامی.

۱. مقدمه

مهرهای با نقوش دنیوی و روزمره زندگی ساده‌تر متعلق به افراد با شأن اجتماعی پایین و مهرهای با نقوش پیچیده و آئینی متعلق به افراد با مرتبه اجتماعی بالا بوده و به منظور مهر و موم کردن انبار و کالاها و نامه‌های رسمی استفاده شده‌اند. از جمله این‌گونه مهرها، مهرهایی با نقوش معماری هستند، از این زمان ساخت بناهای مذهبی، اقتصادی، سیاسی و همچنین شهرهای چندین هکتاری آغاز شد، این در حالی است که در حال حاضر هیچ سازه‌ای از این دوره در دست نداریم و فقط همین آثار مهری و تعدادی محدودی اثر، نشانه‌های ما از وضعیت معماری آغاز شهرنشینی هستند.

در بازشناسی معماری این دور، در کنار یافته‌های کاوش در محوطه‌های مختلف این دوره، نقش مایه‌های مهرها به شکل مستقیم در بازشناسی گونه‌های ساختمانی و فضای معماری بزرگ این دوره، سلسله مراتب هرم قدرت و هم اهمیت آئین، جهان‌بینی و اعتقادات مردمان آن دوره را بازسازی می‌کند. از این رو شناخت اجزای این نوع بناها و بازخوانی نقش مایه‌های مهرها که دال بر موضوع و شاخص‌های معماری مانند چهارچوب‌های در، عناصر پوشاننده، مصالح ساخت و نشان‌های آئینی بر روی بنا را معرفی و مورد بحث و تحلیل قرار خواهند گرفت. باید در نظر گرفته شود براساس یافته‌های فرهنگی در قرن گذشته میلادی در شوش، گودین و... و یافته‌های جدید در سفالین مانند؛ نمونه‌های گل‌نوشته‌های ابتدایی حسابداری و در ادامه گل‌نوشته‌های آغاز ایلامی، مهر و اثر مهرهای دوره شهرنشینی از ایران، چارچوب‌های مستقلی برای فرهنگ و هنر ایران باستان در این دوره فرهنگی می‌توان متصور شد؛ نیز براساس آنچه

به عنوان نظام جهانی اروک برای حوزه جغرافیایی جنوب غرب آسیا (ایران، ترکیه، سوریه و عراق) معرفی شده است (Algaze, 2006). باید بیان کرد که در نوع ساختار شهرنشینی ایران و بین‌النهرین، در عین شباهت‌ها (Algaze, 2008: 30-33; 43-50)، تفاوت‌های مختلف و چشم‌گیری از نظر موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی زمینی و زیرزمینی دارند و این تفاوت کاملاً مشهود است که برخی از پژوهشگران نظر نظام جهانی را تعدیل و برخی نیز آن را نپذیرفتند و آن را یک نوع جابه‌جایی، تعامل و تبادل فکر در نظر گرفته‌اند (حصاری، ۱۳۹۲: ۴۳-۳۹؛ Jennigs, 2011: 50-58).

هدف از این پژوهش، بازسازی بخشی از معماری یادمانی ایران باستان براساس نقش‌مایه‌های مهرهای همان دوره است. در این راستا، شناخت اجزای این نوع بناها و بازخوانی آن با محیط اطراف و تطابق آن با نمونه‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌ها در بین‌النهرین و استفاده برخی متون زبان‌شناسی گام اول در بازشناسی گوشه‌ای از معماری این دوره است.

۲. پیشینه پژوهش

اولین پژوهش در مورد سبک‌های معماری براساس نقوش مهری در سال ۱۳۹۱ ش. منتشر شد (حصاری و ایروانی، ۱۳۹۱). در سال ۱۳۹۶ ش. نیز مقاله‌ای درباره مدل‌سازی معماری براساس نقوش ظروف سنگ‌صابونی انجام گرفته است (حصاری، ۱۳۹۶). در منابع لاتین نیز دو کتاب درباره بازسازی معماری کاخ‌ها و منازل بین‌النهرین در دوره تاریخی براساس شواهد به‌غیر از بقایای معماری پرداخته است (Heinrich, 1957 & 1984). اما در فرهنگ معماری دوره آغازشهرنشینی در عراق امروزی، فرهنگ و تمدن باستانی بین‌النهرین، مطالعاتی در خصوص معماری این دوره فرهنگی انجام گرفته است. بخشی از این مطالعات در خصوص یافته‌های معماری و بخشی دیگر بر روی آثار

هنرى مانند هنر مهرسازى است (Eichman, 2013:120-126; Blocher, 2013: 83-88; Dittmann, 2013).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر داراى نظامى كیفى، و هدف آن بنیادى است. همچنین از نظر روش، توصیفى-تحليلی است و از نظر نوع تحقيق، تاريخى فرهنگى است. روش یافته‌اندوزى اين پژوهش براساس یافته‌هاى كاوش‌هاى باستان‌شناسى است و به مقدار اندك از منابع زبان‌شناسى بهره گرفته شده است. به منظور شناخت و بازخوانى يادمان‌هاى ديوانى و آئینى، با استدلال قیاسى و تحليل‌هاى نظرى مورد ارزیابى قرار گرفته‌اند. در اين ارزیابى، فضاهاى يادمانى به دست آمده بر روى نقوش مهرها جهت شناخت عناصر آنها مورد شناسايى قرار گرفته و مورد بررسى و تحليل قرار مى‌گيرند.

- منابع نقش‌مايه‌هاى معماری و نکاتى چند

در بين آثار در اختيار و منتشر شده چند نکته قابل تأمل است، ابتدا حتمى و غيرقابل تردید بودن نقش است. نقوش مورد بررسى، به‌طور قطع نمايش دهنده معماری هستند چه معماری كانون اصلی نقش بوده و چه به‌صورت حاشيه نقش شده باشد. برخى از موضوعات نقش‌مايه‌هاى منتشر شده در دوره شوش ۲ (اروك) و آغازايلامى و دوره هم‌زمان آن در بين‌النهرين يعنى جمدت‌نصر فقط متعلق به خوزستان هستند و نکته ديگر اين است كه نقش‌مايه‌هاى با موضوع معماری بعد از دوره شوش ۲ در خوزستان و اروك در بين‌النهرين به‌شدت کاهش یافته و تقريباً در دوره جمدت‌نصر در شمال بين‌النهرين به صفر مى‌رسد هرچند كه در دوره سلسله‌هاى قدیم آثار معماری بر روى مهرها ظاهر مى‌شوند. و نکته آخر، در چغاميش آثار مهرى شاخصى يافت شده است كه در هيچ محوطه ديگرى چه در ايران و چه در عراق به دست نيامده است ولى اين آثار مهرى با یافته‌هاى معماری كاوش‌هاى باستان‌شناسى مطابقت ندارد (Kantor &

(Delugaz, 1996: Pl 264). در شوش، دوره شهرنشینی (شوش ۲)، ۲۳ نقش معماری یافت شده که سه نقش خانه، سه نقش معبد و هفده نقش نشان‌دهنده انبار و محل ذخیره آذوقه است. در چغامیش نیز ۱۰ اثر مهر با نقش معماری پدیدار شده که سه نقش خانه، یک نقش معبد و شش نقش انبار ذخیره غذا است. در بین‌النهرین، تاکنون ۲۲ نقش خانه و ۱۱ نقش معبد در بین آثار مهری یافت شده است (Dittmann, 2017: 125). در محوطه‌های فرات این نقوش کمیاب هستند و فقط در حبوبه کبیره و حاج‌نبی مشاهده شده‌اند. در حبوبه کبیره ۴ نقش معماری ظاهر شده که یک نقش معبد، دو نقش خانه و یک سازه ناشناخته که کاربری آن نامشخص است (Strommenger et al., 2014: Taf 193.1). مسئله قابل توجه در مورد نقش معبد در این محوطه این است که این معبد در محاصره مرغان است (Rova, 1994: Tav 2.36). اما در حاج‌نبی شواهد کاملاً متفاوتی از محوطه‌های جنوب بین‌النهرین و فرات داریم. در این محوطه یک نقش کم‌عمق (Stein, 1999: Fig 7) که کاملاً شبیه به نمونه‌های ایران (شوش و چغامیش) است، یافت شده که احتمال زیاد تعاملی بین این محوطه و شوش و چغامیش دایر بوده است. شواهد دیگری نیز از این تعامل به دست آمده که پیتمن به آن‌ها اشاره کرده است (Pittman, 1999: 50, Fig 3.3). از این رو که شواهد دوره شهرنشینی ایران بیانگر سنتی طولانی انبارهای ذخیره‌سازی است و آن‌ها قطعاً پیوستگی به معماری پیشرفته‌ای داشته‌اند که در دیگر محوطه‌ها و مناطق نیست.

۴. انواع نقوش

الف. معماری با مصالح کم‌دوام (مضیف)

نقش معماری حصیری و چوبی کمتر از معماری گلین در میان نقوش مهری خوزستان و بین‌النهرین در اختیار داریم. تاکنون اثری از این نوع معماری در کاوش‌های باستان‌شناسی نیز به دست نیامده است که به‌خاطر استفاده از مصالح کم‌دوام این مسئله

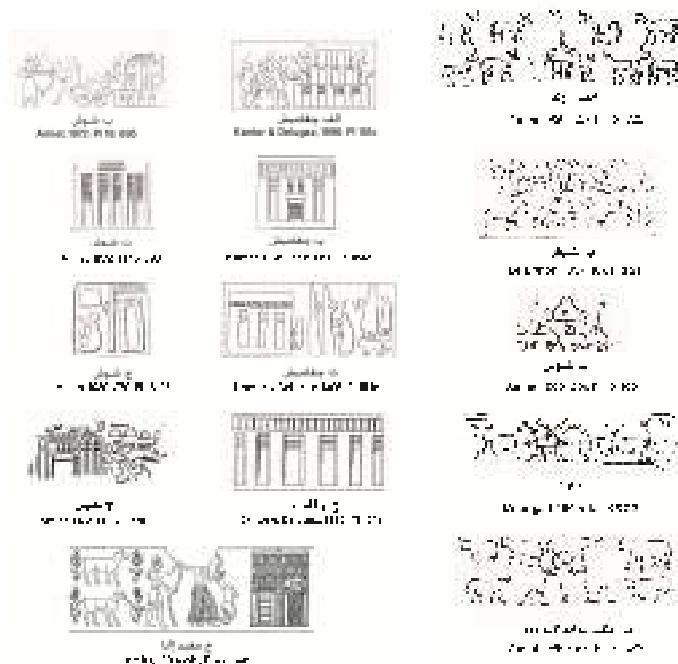
طبیعی به نظر می‌رسد و گواهان ما برای این گونه سازه‌ها، همین نقوش هستند. این نوع بناها معمولاً در کنار یا در میان بین گله حیوانات اهلی قرار گرفته‌اند، ارتباط این نوع سازه‌ها با گله حیوانات روشن است، این حیوانات یا در حال ورود و خروج از این خانه‌های حصیری هستند یا در کنار آن‌ها در حال گذر هستند. این احتمال وجود دارد که این نوع سازه‌ها، آغل یا طویله باشند، ولی مضمون نشان‌گرهای معبد، به‌عنوان نماد و نقش مایه گله مقدس، از دوره Sin II تأیید شده است (Dittmann, 2017: 127) با برخی از احتمالات این چنین اثرات مهری در اور، اروک و لاگاش نیز در دوره اولیه سلسله‌های قدیم وجود دارد (Huh, 2008: 142, 148 & G 179a) هر چند از دوره مورد نظر ما جدیدتر هستند. نمایش دادن معابد در اور از پیت غربی، حتی اگر هم تاریخ مطلق نداشته باشیم، قطعاً این اثرات مهری متعلق به سلسله‌های قدیم پیش از سبک فارا است (Dittmann, 2013: 77). مهرها و اثرات مهری که در اور به دست آمده و نشان‌دهنده معماری با مواد سبک و بی‌دوام است و بعید نیست شبیه معماری منازل مناطق باتلاقی جنوب عراق و خوزستان باشد (Van Ess, 2013: Abb 3.3) که کاملاً این قضیه با وضعیت محیط‌زیست‌آور رابطه مستقیم دارد، هر چند که بقایای معماری به دست آمده از اور همگی از خشت و آجر ساخته شده است که این مورد در معماری اروک و همچنین عبید نیز صدق می‌کند.

براساس نقش مایه‌ها، خصوصیات ظاهری این سازه‌ها کاملاً مشهود و به راحتی قابل تشخیص هستند، نیم‌طاقی حصیری و برش‌های رگه‌مانند از مشخصه‌های اصلی نمای این گونه سازه‌ها هستند، که هم‌اکنون نیز در میان طوایف خوزستان و جنوب عراق ساخت آن ادامه دارد. براساس تصاویر مهری، این گونه سازه‌ها با چندین دسته نی نسبتاً ضخیم تالاب که با لیفه‌های نخل محکم بافته و بسته شده، ساخته شده‌اند. به نظر می‌رسد ابتدا آن‌ها را به صورت لوله و استوانه درآورده، مقداری از آن‌ها را به‌عنوان ستون در زمین دفن کرده، در عین حال این ستون‌ها نقش حائل و پشتیبان را در نمای بنا دارند، سپس مابین آن‌ها را با حصیرهای از پیش بافته شده، پوشش می‌دهند. در حقیقت

حصیر، نقش دیوار را در این سازه‌ها بازی می‌کند. آنچه از تصاویر مهری مشخص است، تزئینی بودن برخی از نقاط دیوار است که با برآمدگی و فرورفتگی این عنصر ساخت ایجاد شده است. در بیشتر تصاویر در و پنجره‌ای وجود ندارد و فقط در یک مورد در و پنجره مشاهده شده (تصویر ۱ ت) که احتمالاً از چوب یا حصیر ساخته شده‌اند. همان‌طور که در تصاویر ارائه شده در این موضوع ملاحظه می‌شود، بر درگاهی و همچنین رأس گنبد حصیری، نشانی بنا نصب شده است (تصویر ۱ الف) که در بعضی از تصاویر روی پشتیبان‌های سر در و در بالای در قرار دارد (تصویر ۱ پ و ت). این نشان‌ها به صورت تک، جفت یا چندتایی کنار هم و یا روبه‌روی همدیگر قرار گرفته‌اند، اهمیت این نشان‌ها در این است که این‌ها، نماد خدایی مرتبط با بنا است این نشان شاخ خدایی را هم می‌توان در سردر بناهای جیرفت در هزاره سوم ق.م. بر روی نقوش ظروف سنگ صابونی (حصاری، ۱۳۸۴: تصاویر ۴۴ و ۴۵) و هم بر روی نقش مهری از شهاداد بر سر یک انسان مشاهده کرد (کابلی، ۱۳۶۵: تصویر سه).

نمونه‌ای قدیمی‌تر از یک خط تصویرنگار اروکی وجود دارد که کاملاً شبیه سردر این گونه سازه است که توسط هانس نیسن ترجمه شده و معنای آن آغل، در و یا در کلبه بزرگ است (Nissen, 1987: Abb 25) و یادآور شویم که هنوز در بین مردمان عشیره‌ای شرق خوزستان و غرب فرات، عراق امروزی کلبه بزرگ معنای آغل و طویله هم می‌دهد و از همین سردرها استفاده می‌کنند. نقشه سازه‌ها مستطیل شکل و برخی موارد دایره‌ای است. سقف سازه به صورت طاق گهواره‌ای است (Heinrich, 1957: 15, Abb 8) و در سازه‌های دایره‌ای، سقف گنبدی است. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، اطراف این سازه‌ها گله حیوانات اهلی وجود دارد و بدون هیچ پیش فرضی درباره اسطوره‌ای بودن تصاویر، تنها می‌توان گفت که گله به همراه گل‌های تازه شکفته احتمالاً صحنه تغذیه دام را به صورت تجریدی به تصویر کشانده است (Ibid: Abb 5b). از اثرات گل باقی‌مانده از کاوش‌های بین‌النهرین از معابد دوره اروکی می‌توان به نحوه بستن نی‌ها به یکدیگر و قرار دادن برگ‌های خرما بین

پشتیبان‌ها پی برد (Ibid: 16). در مورد سردر این سازه‌ها و شکل خاص آن‌ها نظرات مختلفی است، این علائم را به‌عنوان گلهٔ آسمانی، ارباب گله، نماد چشم و همچنین یک استاندارد یا پرچم عنوان کرده‌اند (Tallaquist, 1938: 46) به‌نظر می‌رسد سازه‌های بدون این نماد فقط یک خانهٔ معمولی یا یک آغل باشند و سازه‌های همراه با این نماد، یک حالت تقدس به آن داده است. دو نکته در پایان این مبحث باید عنوان شود؛ یکی این است که احتمال دارد این نقوش یک سلسله‌مراتب جهت مراقبت از حیوانات از بلایا و چشم‌زخم‌ها و ازدیاد و به اصطلاح برکت‌دادن به آن‌ها باشد که البته این کلام فعلاً در حد فرضیه است. و نکتهٔ دوم دربارهٔ استمرار این نقوش در دوره‌های متأخرتر است، رواج و استفاده از این نقش چه در ایران و چه در بین‌النهرین فقط در دورهٔ شوش ۲ یا اروک بوده و تعداد آن‌ها در دورهٔ بعد به‌شدت کاهش یافته است که احتمالاً به‌خاطر وضعیت محیط‌زیست هم می‌تواند صورت گرفته باشد.



تصویر ۱.

تصویر ۲.

ب. سازه‌های با مصالح بادوام

به هنگام بررسی این گونه نقوش مهری، به فضاهایی برخورد می‌کنیم که نشان از فعالیت‌های افراد نخبه جامعه در سازمان‌دهی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌گذاری و آیینی آن جامعه می‌دهد، بر اساس فهرست علائم نگارها (تصویری و مفهومی) بین‌النهرینی، یک نشانه تصویری از همین دوره، به‌عنوان کلبه بزرگ و فضاهای تجمع ترجمه شده است (Heinrich, 1957: 15). از آنجایی که این نشانه در فهرست نشانه‌های ابتدایی آغاز نگارشی قرار دارد (Nissen, 1987: List No, 259)، و در ضمن در خط تصویری اروکی سردر بناهای با بام تخت به معنای خانه و علامت E در مرحله بعدی خط به معنای خانه مذهبی و خانه بزرگ است (Nissen, 1987: Abb 275)، می‌توان این علامت تصویری را ابتدایی‌ترین نشان نگارشی بنای بزرگ یا زیگورات (فضاهای انجام مراسم عمومی/آیینی) پیشنهاد کرد (حصاری، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۶). با توجه به این شناخت، ما باید این مطلب را در بازشناسی نقش‌مایه‌ها که به شکل هنرمندان‌ای به وسیله نقر خطوط بر روی مهرهای استوانه‌ای، فضاهای دیوانی و آیینی را خلق کرده است، در نظر بگیریم. این بناهای بزرگ در برگرفته فضاهایی است که نشان از فعالیت‌هایی در بخش‌های مختلف جامعه به‌ویژه امور آیینی و دیوانی دارد. در بخش اول سعی خواهد شد بناهای با کارکرد آیینی مورد بررسی قرار گیرند و در بخش دوم به بناهای با کاربری دیوانی که نشان از سیاست‌گذاری اقتصادی دارند، پرداخته می‌شود.

۵. عمارت‌های آیینی

از ویژگی بارز این گونه بناها وجود نماد یا پرچم در کنار آن‌هاست (تصویر ۲ ث و ج). این نماد یا پرچم هم در خوزستان هم در جنوب بین‌النهرین قابل مشاهده بوده و یک نشان معنوی است. در این تصاویر مردان یا زنانی را در مقابل یا پشت به بنا به‌نمایش می‌گذارد که دامن بر تن دارند و حالت نیایش و درخواست آنان، عملی آیینی

را نشان می‌دهد که در مقابل معبد در حال انجام است. در این دو تصویر نشان چشم یا Innin هم وجود دارد، مشابه این آثار مهری در مهرهای بین‌النهرین نیز مشاهده شده است (Heinrich, 1957: 43, Abb41). این نشان در دوران متأخر به صورت یک ستون که شباهتی به میخ دارد نیز در آثار ایلامی قابل مشاهده است (1992: 55, Fig 4). در اثر مهری که در شوش پدیدار شده (تصویر ۲) به نظر می‌رسد سازه‌ای در حداقل دو طبقه بنا شده است. طبقه اول همانند یک سکو است که روی آن بنایی مرتفع ساخته شده که ظاهراً ارتفاع آن تا شش متر می‌رسد. احتمالاً ورودی این عمارت در ضلع درازا ساخته شده و با یک پلکان به بالا یا تالار میانی راه داشته است. در نمای معبد شش نماد که شبیه نمادهای چشمی است، مشاهده می‌شود. در برخی منابع نقش این اثر مهر را معبد معرفی کرده و نشان روی آن را نماد معنوی نیز داده‌اند (حصاری، ۱۳۹۶: ۹۲). این گونه نمایش نماد در مهرها و اثرات مهری بین‌النهرینی تاکنون مشاهده نشده است، ولی باید گفت که نمونه کاملی از این نماد شبیه چشم در جمده نصر عراق به دست آمده که در موزه برلین نگهداری می‌شود. این نشان از سنگ صابون ساخته شده و به احتمال زیاد در جنوب شرق ایران ساخته و به بین‌النهرین حمل شده است؛ هرچند که این نقش، شبیه شاخ گوزن نیز هست و باید این مورد را نیز یادآور شد که در برخی نقاط زاگرس مرکزی مخصوصاً در روستاهای کهگیلویه و بویراحمد، بر سردر منازل خانها و شیرمردها، شاخ‌های گوزن نصب می‌کنند، و این امکان را برای بحث ما به وجود می‌آورد که شاید شاخ در این نقش، نشان‌دهنده خانه ارباب باشد تا یک معبد. هرچند که پاسخ کاملی نمی‌توان به آن داد ولی می‌توان فرض کرد که احتمال تغییر کاربری شاخ‌ها از آغاز شهرنشینی تا عصر حاضر وجود دارد و مسئله مهم دیگر این است که این گونه نقش منحصرراً در خوزستان و فقط در بین آثار مهری شوش مشاهده شده و از دیگر نقاط ایران و بین‌النهرین تاکنون این نقش به دست نیامده است. شاید این نقش یک سنت محلی در خوزستان علی‌الخصوص در شوش باشد؛ هم‌چنان که در برخی محوطه‌های حاشیه فرات به تصاویر سازه‌هایی برخورد

می‌شود که در محاصره مرغان آبی و اردک‌ها هستند و به‌نظر برخی از پژوهشگران مشخصه سنت محلی در به‌نمایش درآوردن مکان‌های مقدس است (Dittmann, 2017: 127). در مورد سردر ستون مانند این عمارت‌ها و شکل خاص آن‌ها نظرات مختلفی ارائه شده است؛ نظراتی از قبیل: نماد گله آسمانی، ارباب گله، سمبل چشم تا استاندارد و پرچم (Tallaquist, 1938: 46) که همگی در حال حاضر نه کاملاً قابل تأیید بوده و نه می‌توان آن‌ها را رد کرد.

از نقوش بسیار مهمی که از چغامیش در دست داریم، نقش اثر مهری است که به‌نظر می‌رسد یک زیگورات را به‌نمایش گذاشته است (تصویر دو الف)، در این نقش افرادی در حال عبادت در کنار و یا روی زیگورات هستند. بنا در سه طبقه و در هر طبقه چند در یا پنجره به‌تصویر کشیده شده است. به‌نظر برخی از محققان باستان‌شناسی اولین زیگورات به‌نام آنو پذیرفته شده است و آنرا متعلق به دوره جمدت‌نصر می‌دانند (Heinrich, 1984: 59)، ولی این نقش قدیمی‌تر و مربوط به اواخر هزاره چهارم ق.م. و متعلق به دوره اروک جدید یا شوش ۲ است. چنین سازه‌هایی را شاید بتوان به‌عنوان یک گونه معماری صادراتی به بین‌النهرین پیشنهاد کرد؛ چراکه عمارت آیینی قابل بازسازی بر روی اثر مهر چغامیش قطعاً دارای قدمت بیشتری از زیگورات آنو در دوره جمدت‌نصر بین‌النهرین بوده است. شبیه این نقش زیگورات را بر روی مهری متعلق به آشور میانه که در بین‌النهرین به‌دست آمده است، می‌توان مشاهده کرد (Klengel-Brandt, 1997: Fig 18). با توجه به این نقش‌مایه‌ها که مفهوم و معانی مدنظر هنرمند را به‌عنوان سازه‌های آیینی/روحانی نشان می‌دهند، احتمالاً به دانش و بینش ساخت زیگورات در هزاره چهارم ق.م. در خوزستان دست یافته بودند.

ما در تصاویر نشانه‌ای از پلکانی مانند زیگورات اور که از خارج بنا به طبقه بالا راه داشته، نمی‌یابیم و با توجه به طبقات متعدد، به‌نظر می‌رسد که راه ورودی برای رسیدن به مکان اصلی انجام مراسم آیینی، از طبقه همکف و از داخل سازه از طریق پلکان یا

راهروهای سرپوشیده کناری مانند نمونه آلتین تپه (Masson, 1981: 142) یا با تونل به طبقات بالا راه داشتند. نماد فضای آیینی (زیگورات) که بر روی قسمت پایانی سازه قرار دارد، دارای قسمت‌های پایانی مختلفی به شکل میله پرچم یا استاندارد (حصاری، ۱۳۹۶: ۹۳، تصویر ۱۷) است که شبیه به نشانه‌های فضای آیینی تصویرنگارهای بین‌النهرینی هستند (همان: ۸۷-۸۶). این بناهای آیینی ممکن است یا به صورت مستقل یا درون بناها یادمانی قرار داشتند. به هر روی در بالای چهارچوب‌های اصلی ورودی‌ها، یک سری علائم افقی و عمودی وجود داشته که به احتمال زیاد دارای مفهوم و ارزش معنوی بودند. در یک نگاه کلی، نمای بنا، تناسب و نشانه‌های مکان انجام باورها، به ما امکان بازشناسی این معماری را با کاربری آیینی/اعتقادی را می‌دهد. نشانه‌هایی یکسان در جنوب غرب ایران و بین‌النهرین در نیمه اول هزاره سوم ق.م. را می‌توان در نظر گرفت و که نشان‌دهنده تعاملات فرهنگی-آیینی بودند. (Vallat, 2003)

۶. عمارت‌های دیوانی

از ویژگی‌های خاص این دوره، پیدایش نظام مدیریتی و نظارتی است که همراه با نظام ذخیره‌سازی اطلاعات و نگارش ابتدایی است که خود انقلابی در رسانه ایجاد کرد. نشانه‌های این نظام در ابتدا کالان‌شان‌ها، توپک‌های توخالی و توپر گلی و گل‌نوشته‌های عددی هستند که در جنوب غرب ایران، جنوب و مرکز ایران، جنوب (بایبلون) و شمال (فرات) عراق نمایان می‌شوند. معمولاً در کاوش‌های باستان‌شناسی به آثار معماری مرتبط به فضاهای دیوانی برخورد می‌شود ولی این موارد انگشت‌شمار بوده، بیش‌ترین اطلاعات آن‌ها فقط در مورد پی بناست. یکی از مدارکی که در شناخت این عمارت‌ها به ما می‌تواند یاری رساند، نقوش مهرها و آثار مهری هستند.

تفاوت نقوش عمارت‌های دیوانی و آیینی در نماد، نشان یا پرچمی است که در عمارت‌های مذهبی مشخص است. این نشان‌ها شامل نمادهای چشمی و در موارد

اندک بناهایی در محاصره مرغان هستند. دو اثر مهر معرفی شده (تصویر ۲ پ و ت) به احتمال زیاد عمارت دیوانی هستند که به امور سیاسی و اقتصادی در آن‌ها پرداخته می‌شود. هر دو عمارت نسبتاً پرکار و پر نقش ساخته شده‌اند. از ظاهر و نمای بنا، استنباط می‌شود که بنا در نما مربع شکل ساخته شده، یک ورودی داشته و پنجره‌های آن کشیده و مستطیل شکل هستند. برخلاف خانه‌های حصیری، دارای در و پنجره هستند. براساس داده‌های کاوش‌های باستان‌شناسی، این عمارت‌ها در نقشه به صورت مستطیل شکل ساخته شده که در میان آن‌ها درست در امتداد ورودی، تالار بزرگی برای آن ساخته و در اطراف تالار، اطاق‌های کوچکی قرار دارند که همگی به تالار میانی راه دارند. تمامی عمارت مسقف و نقطه‌ای از آن نیز به حیاط اختصاص نیافته است. این گونه عمارت‌ها با کمی تغییرات می‌توانسته کاربری آن‌را تغییر داد و در شرایط خاص آن‌ها را تبدیل به تالار اجتماع و مکان‌های برگزاری جشن شوند مانند نمونه‌ای که از حبه کبیره به دست آمده که چند محل آتش در اطاقی ساخته شده که احتمالاً آشپزخانه این محوطه بوده است (Heinrich, 1984: 22).

۷. عمارت‌هایی با بام گنبدی (سیلو)

آنچه از تصاویر مشخص می‌شود، این است که یک بنای چهارگوش دارای چندین گنبد است. تمامی گنبدها دارای یک قبه روی خود هستند که بعضی کوچک و بعضی بزرگ ساخته شده‌اند. گنبدها، هم بدون ساقه هستند (تصویر ۳ الف) هم ساقه دارند (تصاویر ۳ ب تا ت). در دو مورد (تصاویر ۳ پ و ت) در کنار گنبد شاهد یک پلکان یا نردبام هستیم که افرادی از آن در حال حمل بار به بام این سازه‌ها هستند. آیا این سازه‌ها انبار یا سیلوی غلات هستند؟ و آیا در خوزستان انبارها را گنبددار می‌ساختند یا نه سقف مسطح هم ساخته می‌شد؟ در همین تصاویر پنجره نیز مشاهده می‌شود، اگر این سازه‌ها انبار باشند چرا برای آن‌ها پنجره‌های بزرگ ساخته‌اند؟ و

ممکن است که این پنجره‌ها، کور باشند؟ به برخی از این پرسش‌ها فعلاً نمی‌توان با قاطعیت به آن‌ها پاسخ داد و باید با احتمال به آن‌ها برخورد کرد.

در کاوش‌های باستان‌شناسی که در دره اردن به انجام رسید، بقایای ساختمان‌های استوانه‌ای پدیدار شده که محل نگهداری ارزاق بوده است. ارزاق را هم به صورت بسته‌بندی و هم به صورت فله داخل این سیلوها قرار می‌دادند (Kuijt & Finlayson, 2009: 10966). در بیت‌یراح نیز از عصر مفرغ انبارهای استوانه‌ای شکل یافت شده است (Esse, 1991: 33-53). در حالی که شواهد باستان‌شناسی بدنه سیلوها را استوانه‌ای نشان می‌دهد ولی شواهد تصویری ما از دوره شهرنشینی بدنه مکعبی شکل را نشان می‌دهد. در حبوبه کبیره آثاری از یک سیلو در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، که در آن بقایای میوه خشک و کوزه‌های روغن یافت شده است. در همین محوطه و در کنار این انبار، ساختمان‌هایی به دست آمده که تالارهایی دارند که در آن تاقچه‌های (نیش) معماری که دو طرف آن ستون چسبیده است، قرار دارد. این تالارها سرپوشیده هستند و نقش حیاط را بازی نمی‌کنند و مدرکی از کاخ بودن آن نیز به دست نیامده است و احتمالاً این مجموعه بنا، یک خانه متعلق به کسی است که مقام اداری مهمی داشته است و مسئول برگزاری تشریفات نیز بوده است و انبار برای همین موضوع تعبیه شده است (Heinrich, 1984: 9). نمونه حبوبه کبیره احتمالاً با نقوش اثرات مهری شوش و چغامیش مطابقت کند و می‌تواند به برخی پرسش‌های مطرح شده، پاسخ دهد.

ساخت گنبد پیش از این در معماری بین‌النهرین، فرهنگ حلف در اراپاچیه (31, Mallowan & Rose, 1935: Fig15)، معماری فرهنگ شولآوری-شومو در ماوراء قفقاز (Kiguradze, 1986: 12) و معماری تپه‌زاغه (ملک شهمیرزادی، ۱۳۶۷: ۵) مرسوم بوده ولی در اصل معماری سازه‌های گنبددار این محوطه‌ها، گرد بوده و این در حالی است که ما شاهد بناهای چهارگوش در این تصاویر هستیم همان‌گونه که از

معماری تپه‌زاغه دشت‌قزوین گزارش شده است. همچنین در نقوش اثرات مهری، قبه‌هایی ملاحظه می‌کنیم که احتمالاً این قبه‌های روی گنبد دریاچه‌هایی برای ریختن آذوقه داخل انبار باشند و پس از پرشدن آن‌را مسدود می‌کردند و قاعدتاً این اماکن باید برای حفظ حبوبات و غلات از رطوبت و حیوانات موذی به‌صورت خاصی ساخته می‌شدند، تا موجب فساد و نابودی آن‌ها نگردد. در چنین سازه‌هایی هوای گرم و نامطبوع از طریق روزنه و پنجره‌های روی گنبد به بیرون انتقال یافته و هوای مطبوع داخل گنبد می‌شده است. احتمالاً کف این بناها چند رج خشت و سنگ داشته که از نفوذ حیوانات موذی به داخل سیلو جلوگیری می‌کرده است. همچنین احتمالاً خروجی محصولات ذخیره‌شده مانند، سیلوهایی که تا چندی پیش در روستاهای غرب ایران رایج بوده است، از پایین سیلو و به‌صورت دریاچه‌ای بوده است.



تصویر ۴.



تصویر ۳.

۸. درگاهی و نورگیرها

معمولاً تقارن خاصی در محل در و پنجره‌ها وجود دارد. پنجره‌ها در محلی ساخته شده که نور کامل را به داخل بنا انتقال می‌دهد. بعضی از پنجره‌ها به نظر کور و تزئینی می‌آیند. در کنار ورودی‌های اصلی، براساس نقش مایه‌های بر روی مهرها، به بخشی از نمای سازه برمی‌خوریم که دیوارهای آن با ردیف ستون‌های چسبیده به دیوار یا پیل پا، نیچه‌های (کریز) کاذب، نمای بیرونی بنا را تزئین کرده است. بخشی از نقش مایه‌ها، تداعی‌کننده پنجره‌های بازشو و نورگیرهایی با چهارچوب‌های ثابت و مشبک، با نقش انتقال‌دهنده نور به داخل فضاهای داخلی هستند. احتمال داده می‌شود که پنجره و نورگیرها با ترکیب‌بندی‌های هندسی از چوب ساخته می‌شدند. بعضی از پنجره و نورگیرها که در مکان بلندی در فضاهای معماری تعبیه شده‌اند، می‌تواند کوردرد و تزئینی باشند. از چغامیش اثرمهری به دست آمده (تصویر ۴ الف) که نقش آن سه درگاهی است که از گوشه‌های بالایی آن خطی مانند آبرو به طرفین رفته است ولی این ابرویی شکل چیست؟ در دو نمونه اثرمهری که از زیگورات آنو از جنوب عراق به دست آمده، توضیح اندکی به پرسش ما می‌دهند. هر دو اثر (تصاویر ۴ ب و پ) شامل درگاهی هستند که دو خط از گوشه‌های آن‌ها بیرون می‌رود ولی کامل شده هستند و هردو همان نشان چشم یا Innin هستند. یکی از آن‌ها طاق قوسی و دیگری مسطح است این‌گونه نقش را در ظروف سنگ صابونی جیرفت (حصاری، ۱۳۸۴: تصویر ۱۴ و ۱۵) و شهداد (کابلی، ۱۳۶۵: تصویر ۱۰) می‌توان یافت، قطعاً نمونه چغامیش قدیمی‌تر است به احتمال زیاد تمامی نمونه‌ها چه از جیرفت، شهداد و چغامیش و چه از جنوب بین‌النهرین دارای ارزش معنوی هستند و این‌گونه نقوش را در سبک فرامنطقه‌ای می‌توان تقسیم‌بندی کرد و در جیرفت و شهداد آن‌ها را مسبک مورد استفاده قرار داده‌اند.

۹. نتیجه گیری

ساخت یادمان‌های دیوانی و آیینی براساس نقش‌مایه‌های مهری، نشان از یک برنامه از پیش طراحی شده معماری با سنجیدن تمامی امکانات فنی و معماری با ظرافت هنرمندانه است. این معماری نشان‌دهنده رونق اقتصادی و قدرت نخبگان جامعه آن روز است. موضوع یکی از نقش‌مایه‌ها، ذخیره‌سازی و انبارکردن است، این موضوع ما را با یک واقعیت روبه‌رو می‌کند و آن سنت طولانی ذخیره‌سازی است؛ موضوعی که در نمونه‌های بین‌النهرینی به چشم نمی‌خورد و این شاید به وضعیت محیط‌زیست یا مسائل راهبردی مرتبط باشد. بیش‌تر موضوعات بین خوزستان و بین‌النهرین مشترک است ولی برخی نقوش به نظر می‌رسد سنت منطقه‌ای است مانند نقش زیگورات و نقش شاخ‌مانند مهر شوش در خوزستان و نمونه حبویه‌کبیره در شمال بین‌النهرین که معبد در کنار مرغان ترسیم شده است. شباهت برخی نقوش نیز تعاملات نزدیک بین محوطه‌ها را نشان می‌دهد به‌خصوص نمونه حاج‌نبی که کاملاً شبیه نمونه‌های شوش است.

کتاب‌نامه

- حصاری، مرتضی (۱۳۸۴). «فرهنگ حوزه جنوب شرق ایران». در فرهنگ حاشیه هلیل رود و جیرفت. به‌کوشش مرتضی حصاری و صدیقه پیران. تهران: موزه ملی ایران. ۸۷-۱۷.
- _____ (۱۳۹۲). شکل‌گیری و توسعه آغازنگارش در ایران (از پیش‌نگارش تا آغاز ایلامی). تهران: انتشارات سمت.
- _____ (۱۳۹۶). «شناخت، بازخوانی و مدل‌سازی بخشی از معماری هزاره سوم ق.م. ایران براساس نقش‌مایه‌های سنگ‌صابونی». نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۱۲: ۸۳-۹۸.
- حصاری، مرتضی و ایروانی‌قدیم، فرشید (۱۳۹۱). «سبک معماری دوره آغاز تاریخی ایران و بین‌النهرین براساس نقوش مهر و اثرمهر». مزدک‌نامه ۴: ۱۳۷-۱۲۴.

مرتضی حصاری ۱۲۶

کابلی، میرعابدین (۱۳۶۵). «شهادت مرکز ایالت آراتا؟». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. سال اول. شماره اول: ۶۲-۵۰.

ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۶۷). «بررسی طبقه اجتماعی در دوران استقرار در روستا براساس روش تدفین در زاغه». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. سال دوم. شماره دوم: ۱۲-۲.

Algaze, G., 2006. *The Uruk World System: The Dynamics of Expansion of Early Mesopotamian Civilization*. 2nd (second) Edition. University of Chicago Press.

Algaze, G., 2008 *Ancient Mesopotamia at the Dawn of Civilization: The Evolution of an Urban Landscape*. The University of Chicago Press. Chicago and London.

Blocher, F., 2013. "Die Ikonographie der Inanna/Ishtar im alten Orient". In: N. Crüsemann, M. van Ess, M. Hilgert, B. Salje. (Hrsg). *Uruk 5000 Jahre Megacity*. 83-94.

Dittmann, R. 2013. "Glyptik and Patterns of Urbanization—a Humble Approach". In: Kämmerer— Rogge (Eds.). *Patterns of Urban Societies*. AOAT 390/. (Münster. Ugarit Verlag). 35— 137.

_____. 2017. "The Representation of Architecture in Glyptic from the Middle Uruk— to the earlier part of the Early Dynastic Period — Reality or pure Guesswork?"

APPROACHING THE EARLY DYNASTIC PERIOD(S). Elements for a Virtual Workshop. Münster.

Eichmann, R., 2013. "Frühe Grossarchitektur der Stadt Uruk". In: N. Crüsemann, M. van Ess, M. Hilgert, B. Salje. (Hrsg). *Uruk 5000 Jahre Megacity*. 117-127.

Esse, D. L., 1991. *Subsistence, trade, and social change in Early Bronze Age Palestine* (No. 50). Oriental Inst Publications Sales.

Heinrich, E. 1957. *Bauwerke in der Altsumerischen Bildkunst*. Wiesbaden.

_____. 1984. *Denkmäler Antiker Architektur*. Verlag Walter De Gruyter & Co. Berlin.

Huh, S. K. 2008. *Studien zur Region Lagasch. Von der Ubaid— bis zur altbabylonischen Zeit*. AOAT 345 (Münster).

Jennings, J., 2011. *Globalizations and the Ancient world*. Cambridge University Press. U.S.A

Kiguradze, T. 1986. *Neolithische Siedlungen von Kvemo-Kartli, Georgien*. AVAM 29. München.

Klengel-Brandt .E 1997. *Mit Sieben Siegeln Versehen*. Berlin

- Kuijt, I. & Finlayson, B., (2009). "Evidence for food storage and predomestication granaries 11000 years ago in the Jordon Valley". Proceedings of the National Academy of Sciences. July 2009. Vol.106. No.27. pp: 10966-10970.
- Le Breton, Louis. 1957. "The Early Period at Susa, Mesopotamian Relations". IRAQ XIX(2): 79-124.
- Legrain. 1936. Archaic Seal—Impressions. Ur Excavations Vol. III (London).
- Mallowan. M. E & Rose .J. C. 1935. "Excavations at Tall Arpachiyeh". Iraq Vol II. Part1. London.
- Masson, V. M. 1981. "Urban Centers of Early Class Society". In: P.L. Kohl (ed.), The Bronze Age Civilization of Central Asia, Recent Soviet Discoveries (New York) 135–148.
- Moortgat, A. 1949. Tammuz. Der Unsterblichkeitsglaube in der altorientalischen Bildkunst. Berlin.
- Nissen, H. J. 1987. "Übersicht über die Hauptzeicherformen der Archaischen Texte aus Uruk". In Green and Nissen (Eds). Zeichenliste der Archaischen Texte aus Uruk. Berlin.
- Pittman, H. 1999. "Administrative Evidence from Hacinebi Tepe: An Essay on the Local and the Colonial". Paléorient 25/1. 43-50.
- Rova, Elena. 1994. Ricerche sui sigilli a cilindro Vicino—Orientali del period di Uruk/Jemdet Nasr. Orientis Antiqui Collectio XX (Roma).
- Stein, G. J. 1999. "Material Culture and Social Identity: the Evidence for a 4 TH Millennium BC Mesopotamian Uruk Colony at Hacinebi, Turkey". Paléorient Vol. 25.1.11-22.
- Strommenger, Eva; Sürenhagen, D. & Rittig, Dessa. 2014. Die Kleinfunde von Habuba Kabira—Süd. WVDOG 141. Harrassowitz.
- Tallqvist, Knut. 1938. "Akkadische Götterepitheta". Studia Orientalia VII, Helsingfors. 1-244.
- Stopler . M. W. & Salvini, A. B. 1992. "The Written Record". In Harper et al., (Eds) Royal city of Susa. New York.
- Vallat, F. 2003. " L'origine Orientale de la Ziggurat". Dossiers d' Archeologie, no 287. 92-95.
- Van Ess, Margarete. 2013. Uruk — Verortung in Raum und Zeit. In: Crüsemann et al., (Eds). Uruk. 5000 Jahre Megacity. 39–45.



الف: ابروک

Amiet, 1980: 337, Pl 43, 539



ب: شوش

Le Breton, 1957: 107, Fig 21.



پ: شوش

Amiet, 1980: 261, Pl 10, 186



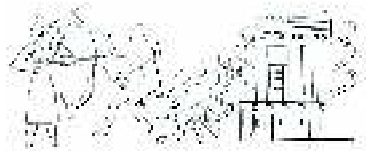
ت: ابروک

Moortgart, 1949: Taf XXX2

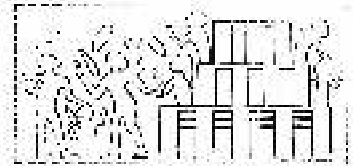


ث: زنگورات آنو لایه دوم

Amiet, 1980: 227, Pl 13, 230



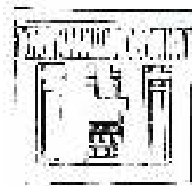
ب: شوش
Amiet, 1872, Pl 18, 585



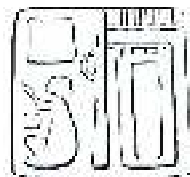
الف: جفامیش
Kantor & Delugoz, 1996, Pl 151c



ب: شوش
Amiet, 1872, Pl 18, 628



ب: جفامیش
Kantor & Delugoz, 1996, Pl 154c



ج: شوش
Amiet, 1872, Pl 18, 271



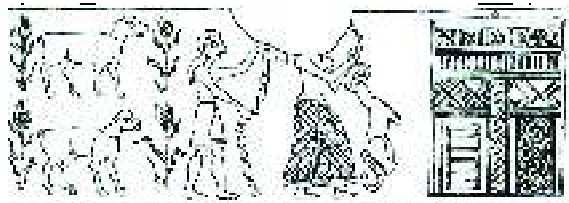
ب: جفامیش
Kantor & Delugoz, 1996, Pl 154a



ج: شوش
Amiet, 1872, Pl 18, 532E



ج: جفامیش
Kantor & Delugoz, 1996, Pl 154a



ج: معبد آناه
Amiet, 1872, Pl 18, 642



ب: شوش
Amiet, 1972: Pl 18. 695



الف: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996: Pl 151c



تا: شوش
Amiet, 1972: Pl 18. 693



ب: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996: Pl 154c



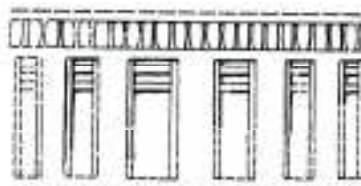
ج: شوش
Amiet, 1980: 278, Pl 18. 271



ث: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996: Pl 154a



ح: شوش
Amiet, 1972: Pl 18. 692a



ج: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996: Pl 154e



خ: معبد انا
Amiet, 1980: 339, Pl 44. 642